

حقوق خواهان و خواننده از منظر حقوق بشر، با تأکید خاص بر رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر

مسعود راعی دهقی *

کاوه موسوی **

شناسه دیجیتال اسناد (DOI): 10.22066/cilamag.2016.23529

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۲۳

چکیده

حقوق بشر به مجموعه امتیازاتی اطلاق می‌شود که برای انسان، فارغ از هر نوع تبعیض، شناسایی شده است. ضرورت حمایت عام و خاص از بشر، نیازمند تلاش گسترده جامعه بین‌المللی، دولت‌ها و نیز نهادهای غیردولتی است. حمایت عام، ناظر بر همه افراد بوده، درحالی‌که حمایت خاص، صرفاً ناظر بر گروه یا دسته‌ای از افراد با ویژگی‌های خاص است. خواهان و خواننده به‌عنوان نمونه‌های بارزی از این افراد، به دلیل آسیب‌پذیری بیشتر نسبت به دیگران، نیازمند حمایتی خاص هستند. رویکرد بحث حاضر، تبیین انواع حقوق خواهان و خواننده در اسناد حقوق بشری با تأکید بر رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر است. یافته‌های تحقیق، بیانگر توسعه تدریجی نظام بین‌المللی حقوق بشر در زمینه حقوق خواهان و خواننده است.

واژگان کلیدی

خواهان، خواننده، حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دادگاه اروپایی حقوق بشر

masoudraei@yahoo.com

* نویسنده مسئول، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد

kavehmousavi1970@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد

مقدمه

بشر دارای حقوق و آزادی‌هایی است که در حقوق بین‌الملل نوین از آن به حقوق بشر^۱ یاد می‌شود. اگرچه این حقوق، ریشه در فطرت انسانی داشته و به عبارتی از مصادیق حقوق طبیعی نوع بشر محسوب می‌شود، اما به دنبال تحولات عمده حقوق بین‌الملل در قرون اخیر و به‌ویژه انقلاب کبیر فرانسه و متعاقباً صدور اعلامیه حقوق بشر و شهروند، به معنای امروزی خود، رخ‌نمایی کرده که نقطه‌عطف این رونمایی‌ها نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ است. «هرچند سخن‌گفتن پیرامون مصادیق حقوق بشر و تنظیم استانداردهای بین‌المللی آن، موضوع حساس و درعین‌حال، مشکلی است و در پرتو شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ملت‌های مختلف، به گونه‌های متعدد تفسیر می‌شود، ولی به‌طور کلی می‌توان آن را معادل حقوق اساسی و غیرقابل‌تردید دانست که برای زندگی نوع بشر ضروری است»^۲. به عبارت دیگر، فلسفه وجودی حقوق بشر، حمایت از افرادی است که بنابر مقتضای ذات خود، نیازمند این‌گونه حمایت‌ها هستند؛ حمایت‌هایی که با توجه به شخصیت افراد مورد حمایت و به اعتبار حالت و اوصاف خاص آن‌ها، به حمایت‌های عام و خاص، تقسیم و تفکیک می‌شوند. در حالت اول، حمایت‌های حقوق بشری، همه افراد بشر را بدون هرگونه قیدوشرطی دربرمی‌گیرد و در وضعیت دیگر، افراد خاصی را که شاید نیازمند حمایت‌های بیشتری هستند (مانند زنان، کودکان و اقلیت‌های مذهبی) شامل می‌شود. اما محور اصلی بحث در مقاله حاضر، مبتنی بر این نکته مهم است که همین بشر، آن هنگام که در مقابل دادگاه قرار می‌گیرد، چه به‌عنوان خواهان و چه در نقش خواننده، از حقوق خاصی برخوردار می‌شود که در عین برابری، قطعاً به تناسب ویژگی‌های هریک از طرفین دعوا، متفاوت خواهد بود. می‌توان این حقوق خاصه را به مثابه «حقوق خواهان و خواننده» در محاکم در نظر گرفته، آن را به «حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه» نیز تعبیر کرد. همچنین «می‌توان از این حقوق به‌عنوان حقوق رویه‌ای هم یاد کرد. منظور از حقوق رویه‌ای، حقوقی است که با هدف حمایت و تضمین حقوق ماهوی ایجاد شده است. در باب اهمیت حقوق رویه‌ای، ذکر این نکته ضروری است که شاید بتوان اذعان نمود که این حقوق، بخش عمده‌ای از اسناد حقوق بشری را به خود اختصاص داده است»^۳.

1. Human Rights

۲. دبیری، محمدرضا؛ حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین‌المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.

۳. برگرفته از سخنرانی مسعود راعی دهقی در همایش حقوق خواهان و خواننده، کانون وکلای دادگستری اصفهان، شهریور ۱۳۹۳.

۱. حق رسیدگی مؤثر - جبران مؤثر

یکی از اصلی‌ترین مصادیق بارز حقوق خواهان و خواننده که در بین اسناد حقوق بشری جایگاه ویژه‌ای دارد، «حق رسیدگی مؤثر» است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۸ مقرر می‌دارد: «در برابر اعمالی که به حقوق اساسی فرد تجاوز کند و آن حقوق، طبق قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه را دارد».^۴

«حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالح» به نوعی، برگردان واژه effective remedy در متن انگلیسی اعلامیه جهانی حقوق بشر است. بعضی از مترجمان حقوقی، این عبارت را به «جبران مؤثر» و برخی دیگر به «رسیدگی مؤثر» تعبیر کرده‌اند. اما با اندک دقتی در هر دو برگردان، می‌توان تعریفی واحد از «جبران مؤثر» یا «رسیدگی مؤثر» ارائه کرد؛ تعریفی که در هر حال، مبتنی بر «دادرسی عادلانه» است؛ دادرسی‌ای که به واسطه آن، حقوق از دست‌رفته جبران می‌شود و به علاوه، آن چنان رسیدگی‌ای صورت می‌پذیرد که تأثیرش همواره بر جا می‌ماند. شاید به همین جهت است که اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره، مراجعه و پناه‌بردن به محاکم را در یک معنا به کار برده است.^۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، در واقع، تأکیدی بر تحقق رسیدگی عادلانه نسبت به اصحاب دعواست. این رسیدگی‌ها و اثرات آن می‌تواند دارای جنبه‌های کیفی، مدنی، اداری، صنفی و غیره نیز باشد.

از دیگر اسناد حقوق بشری که به نوعی مؤید «حق رسیدگی مؤثر» است، بند ۳ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است.^۶ بر اساس مفاد مستند مزبور، اولاً، کشورهای طرف میثاق، متعهد می‌شوند که به نوعی احقاق حقوق تضييع شده اشخاصی را که حقوق و آزادی‌های شناخته شده‌شان در این میثاق، نقض شده است، تضمین کنند (قسمت الف). این تضمین در خصوص اقدامات مقامات صالح قضایی، اداری، تقنینی یا هر مقام صالح دیگری نیز مصداق می‌یابد (قسمت ب). ثانیاً، دولت‌های عضو میثاق تضمین می‌کنند که مقامات صالح نسبت به

۴. متن اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، ۱۹ آذر ۱۳۲۷، مجمع عمومی ملل متحد.

۵. بند (ب) ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره: «مراجعه و پناه‌بردن به دادگاه، حقی است که برای همه تضمین شده است».

۶. بند ۳ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هر کشور طرف این میثاق متعهد می‌شود که:

الف. تضمین کند که برای هر شخصی که حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق درباره او نقض شده باشد، وسیله مطمئن احقاق حق فراهم شود، هر چند که نقض حقوق به وسیله اشخاصی ارتکاب یافته باشد که در اجرای مشاغل رسمی خود عمل کرده‌اند.

ب. تضمین کند که مقامات صالح قضایی - اداری یا مقتنه یا هر مقام دیگری که به موجب مقررات قانونی آن کشور صلاحیت دارد، درباره شخص دادخواست‌دهنده، احقاق حق کنند و همچنین امکانات تظلم به مقامات قضایی را توسعه بدهد. ج. تضمین کند که مقامات صالح «نسبت به تظلماتی که حقانیت آن محرز شود، ترتیب اثر صحیح بدهند».

تظلماتی که حقانیت آن محرز شود، ترتیب اثر صحیح دهند و به عبارت دیگر و بر اساس آنچه از متن انگلیسی مستفاد می‌شود، «حکم صادر بر حقانیت را اجرا کنند»^۷ (قسمت ج). مقاله‌نامه بین‌المللی الغای کلیه اشکال تبعیض‌نژادی نیز در ماده ۶ مجدداً با بهره‌گیری از عبارت «طریقه دادرسی مؤثر»^۸، دول متعاقد را به حمایت از افراد مشمول صلاحیت قضایی در برابر محاکم ذی‌صلاح ملی و سایر مراجع صلاحیت‌دار مملکتی متعهد می‌کند.^۹ همچنین بر اساس بند ۱ ماده ۱۵ مقاله‌نامه مزبور، «تا نیل به هدف‌های اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و ملل تحت استعمار مندرج در قطعنامه ۱۵۱۴ (دوره ۱۵) مجمع عمومی مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰، مقررات قرارداد حاضر به‌هیچ‌وجه در برخورداری ملل مذکور از حق دادخواهی و شکایت که به‌موجب سایر اسناد بین‌المللی یا از طرف سازمان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی به آنان اعطا شده است، محدودیتی ایجاد نخواهد کرد».

حکم کلی ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر این نکته تأکید کرده است. ماده ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز با اشاره ضمنی به مفهوم حق رسیدگی یا جبران مؤثر، مقرر می‌دارد: «اگر حقوق و آزادی‌های هر کس در این کنوانسیون نقض شده باشد، ولو چنین نقضی توسط مأموران رسمی صلاحیت‌دار ارتکاب یافته باشد، وی حق دادخواهی و جبران خسارت نزد یک مرجع ملی را دارد».^{۱۰} همچنین شاید بتوان ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را از حیث تعدد مصادیق «حق دادرسی عادلانه»، از معدود مستندات قانونی موجود قلمداد کرد. کنوانسیون مذکور، با صراحت در بندهای مختلف ماده مزبور، بسیاری از موارد حقوق اطراف دعوا را در محاکم مطرح کرده که مجموع همگی آن‌ها در واقع، تأییدی بر «حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه» است و شاید بتوان اذعان کرد که مضامین مذکور در ماده مزبور، تلویحاً دربردارنده مفاهیم مرتبط با «حق رسیدگی مؤثر» نیز هست. از طرف دیگر، کنوانسیون اروپایی

7. To ensure that the competent authorities shall enforce such remedies when granted.

8. States parties shall assure to everyone within their jurisdiction effective protection and remedies, through the competent...

۹. ماده ۶ مقاله‌نامه مذکور: دول عاقد از کلیه افراد مشمول صلاحیت قضایی خود در برابر هر نوع تبعیض‌نژادی که حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد را برخلاف مقررات این قرارداد، نقض کند، حمایت می‌کنند و یک طریقه دادرسی مؤثر در برابر محاکم ذی‌صلاح ملی و سایر مراجع صلاحیت‌دار مملکتی تأمین خواهند کرد و همچنین حق افراد را در مطالبه غرامت و جبران عادلانه و متناسب خساراتی که بر اثر اعمال تبعیضات‌نژادی وارد می‌شود، تضمین خواهند کرد.

۱۰. نکته مهم قابل‌توجه در خصوص ماده مزبور، نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده پوغوسیان و باغداساریان علیه ارمنستان است. دادگاه در جریان بررسی پرونده و در مقام اعمال ماده ۱۳ حتی فقدان امکان قانونی (نبود قانون در نظام حقوقی ارمنستان) جهت اقامه دعوی خسارت غیرمادی از سوی خواهان را از مصادیق محرومیت وی از حق رسیدگی مؤثر (effective remedy) دانست و نتیجتاً حکم بر محکومیت خوانده صادر کرد. برای اطلاع بیشتر، ن.ک:

Case of Poghosyan and Baghdasaryan v. Armenia-Application No22999/06 June.12.2012- Final September.12.2012.

حقوق بشر به‌عنوان سندی مُتَن برای انجام وظیفه یکی از مهم‌ترین نهادهای قضایی حقوق بشری (دیوان اروپایی حقوق بشر)، نقش مؤثری ایفا می‌کند. به دلیل اهمیت آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر و رویه مرجع مزبور، در مقاله حاضر در هر مورد با ذکر شواهدی از عملکرد دیوان مذکور، بر رویکرد عمل‌گرایانه حقوق بین‌الملل معاصر در مقوله مهم حقوق خواهان و خواننده، تأکیدی خاص می‌شود. اما از آنجایی که «دادگاه، تنها به شکایات مربوط به نقض حقوق پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون و پروتکل‌های ضمیمه می‌تواند رسیدگی کند و بر اساس بند ۳ ماده ۳۵، دادگاه، شکایات افراد و سازمان‌های غیردولتی را که با مقررات مواد کنوانسیون و پروتکل‌های آن غیرمنطبق بدانند، رد خواهد نمود»^{۱۱}، صلاحیت این مرجع قضایی بین‌المللی، صرفاً در چارچوب موارد مذکور در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل‌های الحاقی به آن خواهد بود.

۲. حق برخورداری از دادرسی منصفانه

مطابق ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، «هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوی او به‌وسیله دادگاه مستقل و بی‌طرفی، منصفانه و علنی رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی به او، تصمیم‌گیری کند». همچنین به‌موجب بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، «... هر کس حق دارد به اینکه به دادخواهی او منصفانه و... رسیدگی شود»^{۱۲}. حق برخورداری از دادرسی منصفانه در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز تضمین شده است.^{۱۳} موارد گفته‌شده و برخی مستندات قانونی مشابه دیگر، متضمن چند اصل مهم در راستای دادرسی عادلانه است. اصل برابری در دادگاه، اصل استقلال و بی‌طرفی دادگاه، اصل علنی‌بودن رسیدگی‌ها، اصل تسریع در دادرسی و برخی قواعد دیگر از این

۱۱. سیدفاطمی، سیدمحمد؛ «دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر»، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۵، ۱۳۷۹، ص ۱۴۰.

۱۲. بند ۱ ماده ۱۴: «همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری برابرنند. هر کس حق دارد به اینکه به دادخواهی او منصفانه و علنی در دادگاه صالح که مستقل و بی‌طرف تشکیل شده، طبق قانون رسیدگی شود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزایی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در امور مدنی اتخاذ تصمیم کند».

۱۳. بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «برای تعیین حقوق و تکالیف یک فرد یا رسیدگی به هر اتهامی که علیه او مطرح شده است، باید دادرسی علنی و منصفانه توسط دادگاه صالح بی‌طرف و مستقل در مدت معقول انجام شود. نتیجه دادرسی باید به‌صورت علنی اعلام شود، اما امکان برگزاری غیرعلنی تمام یا قسمتی از جریان محاکمه نسبت به مردم و مطبوعات وجود دارد. حفظ نظم عمومی، اخلاق یا امنیت در جامعه دموکراتیک، منافع صغار، حفظ جان طرفین دادرسی و همچنین نظر دادگاه در اوضاع و احوالی که علنی‌بودن محاکمه ممکن است به مصالح عدالت لطمه وارد آورد، مواردی است که غیرعلنی‌بودن محاکمه را توجیه می‌کند».

دست، همگی از اصول مصرح در این مواد است.^{۱۴} اما آنچه در اینجا مدنظر است، نیت آفرینندگان این اسناد مهم حقوق بشری در استفاده از عبارت مشترک «منصفانه بودن دادرسی» است که قطعاً دربردارنده مفهوم «انصاف» در بطن خود است. در خصوص واژه انصاف، گفتنی است که «از لحاظ لغوی، غالب واژه‌نامه‌ها، انصاف را با عدالت، هم‌معنی دانسته‌اند یا آن را وظیفه عدم اضرار به دیگری قلمداد کرده‌اند. در واژه‌نامه فرانسوی، انصاف به معنای اعطای سهم مساوی به هر شخص و شناسایی بی‌طرفانه حق، بیان شده است. امریکایی‌ها نیز انصاف را همان due process of law یا روند مقتضی قانونی دانسته‌اند».^{۱۵} برخی دیگر از حقوق‌دانان نیز از انصاف به معنای «تساوی سلاح‌ها» تعبیر کرده‌اند.^{۱۶} آن‌ها معتقدند فرصت‌های موجود میان اصحاب دعوا می‌بایست یکسان تقسیم شده، وضعیت یک طرف دعوا به گونه‌ای نباشد که وضعیت دیگری را به خطر اندازد».^{۱۷} بنابراین شاید در تعریفی ساده‌تر بتوان دادرسی منصفانه را نوعی دادرسی دانست که در آن، هیچ‌یک از طرفین دعوا در وضعیتی متفاوت از طرف مقابل قرار نگیرد و این تعریف، شاید هم‌معنی و مُرادف تعریف ارائه‌شده از حق برابری اصحاب دعوا در دادگاه نیز باشد.

ملاحظه اجمالی در آمار پرونده‌های دیوان اروپایی حقوق بشر نیز نمایانگر این نکته مهم است که «امروزه بیش از نیمی از آرای دیوان اروپایی حقوق بشر، درباره شکایات مربوط به ماده ۶ و نقض شرایط و تضمینات مربوط به دادرسی منصفانه است»^{۱۸} که البته بررسی هر یک از آن‌ها مجال جداگانه‌ای می‌طلبد. اما آنچه درنهایت می‌توان گفت، اهمیتی است که اولاً، کنوانسیون و ثانیاً، دادگاه اروپایی حقوق بشر به مقوله دادرسی منصفانه داده‌اند. حجم بالای پرونده‌ها در این خصوص، مؤید ادعای اخیر است. بررسی آماری پرونده‌های ارجاع‌شده به دادگاه اروپایی حقوق بشر، حکایت از طرح بیش از بیست پرونده با موضوع تجاوز از مقررات مندرج در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی و نقض حقوق خواهان در بهره‌مندی از دادرسی منصفانه در چهل روز اول سال ۲۰۱۵ میلادی (از اول ژانویه تا دهم فوریه) دارد.^{۱۹}

۱۴. در قسمت‌های بعدی این مقاله، به تفصیل به این اصول، پرداخته خواهد شد.

۱۵. قراچورلو، رزا؛ «انصاف و بی‌طرفی در دادگاه‌های اتحادیه اروپا»، *مجله وکالت*، تیر ۱۳۸۱، صص ۳۷-۳۴.

۱۶. در قسمت مربوط به حق برابری در دادگاه‌ها به این مسئله بیشتر پرداخته شده است.

۱۷. راعی؛ همان.

۱۸. یوری، اسدالله؛ «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین»، *نشریه حقوق اساسی*، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳، ص ۲۵۷.

۱۹. برای مطالعه در خصوص آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر در مقوله «دادرسی منصفانه»، ن.ک: پایگاه اینترنتی دادگاه اروپایی حقوق بشر به نشانی: <http://hudoc.echr.coe.int/site/eng/pages/search> (keyword:right to fair trial)

۳. حق برابری در دادگاه

ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر،^{۲۰} بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی،^{۲۱} بند (الف) ماده ۵ مقاله‌نامه بین‌المللی لغای کلیه اشکال تبعیض نژادی،^{۲۲} بند (الف) ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره^{۲۳} و بسیاری از اسناد حقوق بشری، بر حق برابری اصحاب دعوا در محاکم دادگستری تأکید کرده‌اند. این حق، بارها بر اعطای «امکانات برابر»^{۲۴} به همه طرف‌های دعوا توصیه کرده و این تأکیدات، بعضاً تا حدی کارساز بوده که «کمیته حقوق بشر در نظر تفسیری خود در خصوص ماده ۱۴ میثاق پیش‌تر گفته، در سال ۱۹۸۴ اظهار می‌کند که وجود دادگاه‌های اختصاصی، مغایر با حق برابری در دادگاه‌هاست».^{۲۵} امروزه شاید از حق برابری اصحاب دعوا در دادگاه‌ها به «اصل برابری سلاح‌ها»^{۲۶} نیز تعبیر شود؛ اصلی که درحقیقت، یکی از اجزای مهم دادرسی عادلانه محسوب می‌شود. بر مبنای اصل مزبور، «هریک از طرف‌های دعوا باید بتواند ادعای خود را در شرایطی مطرح سازد که او را نسبت به طرف مقابل خود به‌گونه‌ای در وضعیت نامناسب‌تری قرار ندهد».^{۲۷} در واقع، «این اصل، همان گونه که دادرسان کمیسیون اروپایی حقوق بشر اشاره کرده‌اند، وجود رابطه بین نیاز به عدالت و نفرت ناشی از بی‌عدالتی را در یک فرایند قضایی مشخص می‌کند».^{۲۸}

دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده *دومبو بهر علیه هلند*، به استناد بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر این مهم تأکید می‌کند که: «اصل برابری سلاح‌ها، مستلزم آن است که به هر یک از طرف‌ها، در شرایطی که او را نسبت به طرف مقابل، در وضعیت نامناسب اساسی قرار ندهد، امکان معقول برای طرح دعوای خود داده شود».^{۲۹} دیوان همچنین در شماری از

۲۰. ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به‌وسیله دادگاه مستقل و بی‌طرف، منصفانه و علناً رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی به او، تصمیم بگیرد».

۲۱. ن.ک: پاورقی شماره ۱۰.

۲۲. بند مذکور اشعار می‌دارد: «حق برخورداری از رفتار مساوی در برابر محاکم و سایر مراجعی که اجرای عدالت را به عهده دارند».

۲۳. بند مذکور اشعار می‌دارد: «مردم در برابر شرع مساوی هستند. در این امر، حاکم و محکوم نیز با هم برابرند».

۲۴. نکته حائز اهمیت در باب حق برابری طرفین دعوا، حقوق و تکالیف برابر اما متفاوت خواهان و خواننده است؛ حقوق و تکالیفی که در عین برابری، قطعاً متناسب با ویژگی‌های هر یک از طرفین دعوا، متفاوت خواهد بود.

۲۵. راعی؛ همان.

26. Equality of Arms

۲۷. ساقیان، محمد مهدی؛ «اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری (با تأکید بر حقوق فرانسه و ایران)»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره‌های ۵۶ و ۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۸۰.

۲۸. همان.

29. *Dombo Beher B v. the Netherlands* – Application No. 14448/88- October.27.1993.

پرونده‌های دیگر، رویه‌ای مشابه در خصوص حمایت از قاعده کلی «اصل برابری سلاح‌ها» اتخاذ کرده است.^{۳۰} و جالب آنکه در اعمال حق برابری سلاح‌ها، دیوان اروپایی حقوق بشر، تفاوتی میان اصحاب دعوی حقوقی و اطراف دعوی کیفری قائل نشده است. یعنی همان گونه که خواهان و خوانده دعوی حقوقی باید از حق تساوی سلاح‌ها برخوردار باشند، شاکی و متهم دعوی کیفری و (در جرائم عمومی) حتی متهم و دادستان نیز باید به تساوی از حق مزبور بهره‌مند شوند. به‌عنوان مثال، در پرونده لایپینز^{۳۱} علیه کشور لاتویا، جایی که خواهان مدعی می‌شود که به‌واسطه حضور دادستان در مرحله رسیدگی و غیاب وی و عدم امکان دفاع مناسب، الزاماتی که به‌موجب بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص عادلانه‌بودن دادرسی تضمین شده، نقض شده است، دیوان به علت تجاوز از «اصل برابری سلاح‌ها» و نقض مقررات مندرج در کنوانسیون مذکور توسط دادگاه، حکم بر محکومیت خوانده و ضرورت پرداخت خسارت به خواهان صادر کرد.^{۳۲} این مسئله نشان‌دهنده اهمیت اصل مزبور است.

۴. اصل بی‌طرفی و استقلال دادگاه

همان گونه که در قسمت‌های قبلی ذکر شد، استقلال و بی‌طرفی، یکی از اصول مهم دادرسی عادلانه است که در بسیاری از اسناد مهم بین‌المللی بارها بر آن تأکید شده است. ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از مصادیق بارز این تأکیدات است. همچنین به دلیل اهمیت و ضرورت وجود سیستم قضایی صالح، مستقل و بی‌طرف در حمایت از حقوق بشر و به‌منظور تدوین معیارهای رفتار اخلاقی قضات، ایضاً به جهت راهنمایی قضات و ایجاد چارچوب قضایی برای نظام‌بخشی رفتار قضایی، در سال ۲۰۰۲ میلادی و در شهر بنگلور کشور هندوستان، قواعدی تنظیم و به نام «اصول بنگلور» مشهور می‌شود.^{۳۳} «اصول بنگلور در خصوص رفتار قضایی، نتیجه کار و مشورت گروهی متشکل از قضات عالی‌رتبه کشورهای مختلف، موسوم به گروه قضایی تقویت یکپارچگی بوده است. در این سند، به اصول و ارزش‌های اساسی رفتار قضایی، از قبیل استقلال، بی‌طرفی، صداقت، حفظ شئون قضایی، تساوی در رفتار و صلاحیت قضات، اشاره شده و جنبه‌های مختلف اعمال و

30. See for example the cases of *Lobo Machado v. Portugal*- Feb.20.1996 & *Bulut v. Austria*-Feb.22.1996 & *Ankerl v. Switzerland*- Nov.23.1996 & *Foucher v. France*- March.18.1997 & *Wynen v. Belgium*-Nov.5.2002.

31. Liepins

32. *Case of Liepins v. Latvia*- Application No 31855/03-November 25, 2014.

۳۳. با اقتباس از بخش مقدمه اصول بنگلور، مصوب سال ۲۰۰۲ میلادی.

اجرای این اصول برشمرده شده است.^{۳۴} شاید بتوان این سند حقوق بشری را یکی از معدود اسنادی اسنادی دانست که به صراحت تمام بر اصل بی طرفی و استقلال دادگاهها تأکید خاص کرده است. سند مزبور در مقام تبیین ماهیت استقلال قضایی، آن را «پیش شرط حاکمیت قانون و تضمین اساسی برای رسیدگی عادلانه»^{۳۵} دانسته و در شش بند، قضات را مُجاب به رعایت برخی موازین خاص برای دستیابی به این مهم کرده است. اصول بنگلور در بند (۱-۱) از بخش کاربرد اصل استقلال مقرر می‌دارد: «قاضی باید اعمال قضایی را به گونه‌ای مستقل و بر مبنای ارزیابی خود از حقایق و مطابق با درک وجدانی خود از قانون اعمال کند و از تأثیرات، عوامل، فشارها، تهدیدات یا مداخلات مستقیم یا غیرمستقیم بیرونی، از هر منبع یا به هر دلیل، فارغ و رها باشد». این اصول در بندی دیگر، قضات را پند می‌دهد که «نه تنها باید فارغ از ارتباطات ناروا و نیز تأثیرپذیری از بخش‌های اجرایی و قانونگذاری حکومت باشند، بلکه همچنین باید از دید یک ناظر متعارف هم از آن‌ها آزاد و رها به نظر برسند».^{۳۶} در جایی دیگر نیز آن‌ها را «در انجام وظایف قضایی، مستقل از همکاران قضایی خود می‌داند».^{۳۷} سند مزبور همچنین تأکید می‌کند که «قاضی باید برای اجرای وظایف قضایی و حفظ و ارتقای استقلال بنیادی و عملی نظام قضایی، اصول اطمینان‌بخشی را تشویق و به آن عمل کند».^{۳۸} شاید نکته جالب‌تر از همه، بند پایانی فصل استقلال از سند مذکور باشد که «قاضی را به منظور تحکیم اعتماد عمومی به نظام قضایی، مُجاب به ارائه معیارهای متعالی رفتارهای قضایی می‌کند».^{۳۹} اصل بنگلور در ادامه و در قسمت مربوط به اصل بی طرفی، رعایت این اصل را برای انجام صحیح وظایف دستگاه قضایی، امری ضروری می‌داند و در اولین بند از فصل مزبور مقرر می‌دارد: «قاضی باید وظایف قضایی خود را به دور از هرگونه تبعیض، تعصب یا پیش‌داوری اعمال کند».^{۴۰} این سند حقوق بشری، آن‌چنان بر عدالت و بی طرفی قاضی تأکید کرده است که حتی ذهنیت منفی یا مثبت قاضی به یکی از اصحاب دعوا را نیز از جمله مواردی می‌داند که می‌تواند بی طرفی قاضی را مخدوش کند. به همین جهت، این را که «قاضی درباره یکی از طرفین دعوا، تعصب یا پیش‌داوری داشته است، از موارد عدم صلاحیت قاضی در رسیدگی به پرونده

۳۴. «اصول بنگلور در خصوص رفتار قضایی، مصوب سال ۲۰۰۲ میلادی»، ترجمه: فاطمه قناد، نشریه فقه و حقوق، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۴، ص ۱۸۱.

۳۵. اصول بنگلور، بخش مربوط به اصل استقلال.

۳۶. بند ۱-۳.

۳۷. بند ۱-۴.

۳۸. بند ۱-۵.

۳۹. بند ۱-۶.

۴۰. بند ۱-۲.

مطروحه می‌داند».^{۴۱} سند مزبور در بخش بی‌طرفی نیز همچون قسمت مربوط به استقلال، «قاضی را مکلف می‌کند که با فعل خود در داخل و خارج دادگاه، اعتماد عموم، صاحبان مشاغل خصوصی و ارباب دعاوی را به بی‌طرفی قاضی و نظام قضایی حفظ کند و ارتقا بخشد».^{۴۲} در هر صورت به نظر می‌رسد بتوان با ملاحظه و بررسی اصول بنگلور، قواعد مزبور را به‌نوعی مکمل سایر اسناد حقوق بشری، به‌ویژه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص اصل بی‌طرفی و استقلال دادگاه‌ها قلمداد کرد. شاید ملاحظه برخی آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر، تا حدی این نتیجه‌گیری را تقویت کند.

در پرونده *پیتر آرمسترانگ*^{۴۳} در برابر بریتانیا، خواهان به لحاظ فقدان بی‌طرفی هیئت منصفه، ادعا می‌کند که دادگاه انگلستان، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض کرده است. در این پرونده، خواهان مدعی شد که حضور افسران پلیس بازنشسته و شاغل در میان اعضای هیئت منصفه، حق وی را در برخورداری از دادرسی عادلانه، به‌گونه‌ای که در ماده ۶ کنوانسیون مقرر شده است نقض می‌کند. دادگاه اروپایی حقوق بشر در نهایت، شکوائیه خواهان در بخش ادعای فقدان بی‌طرفی را قابل‌استماع تشخیص داده، رأی به محکومیت خوانده صادر کرد.^{۴۴} در پرونده‌ای دیگر، موضوع شکایت فصلی^{۴۵} علیه دولت ترکیه، خواهان مدعی فقدان بی‌طرفی در بخشی از دیوان عالی اداری کشور می‌شود. وی ادعا می‌کند که شعب مرجع مذکور که به پرونده او رسیدگی کرده‌اند، بی‌طرف نبودند. بنابراین نسبت به وی در برخورداری از دادرسی منصفانه که بر اساس بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تأمین و تضمین شده بود، اجحاف شده است. دادگاه اروپایی حقوق بشر در نهایت با رأی چهار قاضی موافق در برابر سه قاضی مخالف، رأی بر نقض مقررات مندرج در کنوانسیون توسط خوانده و مآلاً محکومیت ترکیه صادر کرد.^{۴۶} همچنین در بحث استقلال نیز دادگاه اروپایی حقوق بشر با شکایات متعددی مواجه شد. دیوان در پرونده خریکین^{۴۷} علیه روسیه، ادعای خواهان مبنی بر نقض اصل استقلال توسط دادگاه بدوی را پذیرفت. خواهان در این پرونده مدعی بود که دادگاه بدوی (بخش مسکو) که یک بار به شکایتش در خصوص ضرورت افزایش حقوق بازنشستگی (به جهت شرایط کاری سخت) رسیدگی کرده و با صدور رأی قطعی به نفع وی (به علت عدم تجدیدنظرخواهی در مهلت مقرر) پرونده را نیز مختومه کرده بود، مجدداً و به‌واسطه اعمال نفوذ رئیس صندوق بازنشستگی منطقه،

۴۱. بند ۱-۵-۲.

۴۲. بند ۲-۲.

43. Peter Armsrtrong

44. *Case of Peter Armstrong v. United Kingdom*-Application No 65282/09- December 9, 2014.

45. Fazli

46. *Case of Fazli Aslaner v. Turkey*-application No. 36073/04-March 4, 2014.

47. Khrykin

در پرونده بازنگری کرده و این بار به ضرر او و به نفع مدعی علیه رأی داد. دادگاه اروپایی حقوق بشر، متعاقباً در رأی خود، اجابت خواسته فرد مذکور و نفوذپذیری دادگاه بدوی را از مصادیق خروج از اصل استقلال دادگاه و مآلاً نقض بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون دانست.^{۴۸} نکته قابل تأمل دیگر در پرونده‌های مطرح شده در خصوص اصل بی‌طرفی و استقلال دادگاه‌ها این است که اگرچه اصول مذکور، در مفهوم متفاوت‌اند (همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد)، در شکواییه‌های تقدیمی و حتی آرای صادره، معمولاً در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و این شاید نشانه این مهم است که معمولاً عدول از استقلال، خروج از بی‌طرفی را نیز به همراه دارد.^{۴۹}

۵. حق دفاع

یکی دیگر از اصول مهم دادرسی عادلانه که جامعه بین‌المللی در بسیاری از اسناد حقوق بشری از جمله کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بر آن تأکید کرده، «حق دفاع» است. «معمولاً در مقام تبیین مصادیق حق دفاع، به شش عنوان اشاره می‌شود: دفاع حضوری، دفاع خود خوانده، دفاع وکیل خوانده، مطلع کردن مقامات از حق دسترسی به وکیل، معاضدت قضایی و حمایت دیپلماتیک اشخاص».^{۵۰} ماده ۶ کنوانسیون و به‌ویژه، قسمت‌های ذیل بند ۳ ماده مزبور، برخی از این حقوق را به‌صراحت بیان کرده است. به‌موجب قسمت (الف) بند ۳، «هر کس که به ارتکاب جرمی متهم می‌شود باید در اسرع وقت و با زبانی که برای وی مفهوم است از جزئیات، ماهیت و سبب اتهام خود آگاه شود». در واقع، «آگاهی از موضوع و دلایل اتهام، یکی از مهم‌ترین تضمینات حقوق دفاعی متهمان در تمام مراحل رسیدگی کیفری به شمار می‌رود [و] تقریباً تمام اسناد حقوق بشری، چه بین‌المللی و چه منطقه‌ای، بر شناسایی چنین حقی یعنی اطلاع از دلایلی که علیه اشخاص، ضمن دستگیری، جلب، بازداشت و سرانجام، محکومیت آنان اقامه شده، مٌهر تأیید نهاده‌اند».^{۵۱} و ^{۵۲} از دیگر حقوق مصرح در این سند متقن حقوق بشری، قسمت (ب) از بند ۳ ماده مزبور است که متضمن اعطای فرصت و امکانات کافی به متهم برای تدارک دفاعیاتش است. دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده چرنی^{۵۳} در برابر اوکراین، به دلیل آنکه حقوق

48. *Case of Khrykin v. Russia*-Application No. 33186/08-April.19.2011-Final.Jul.7.2011.

49. See the *Case of Oleksandr v. Ukraine*-Application No 21722/77-January.9.2013.

۵۰. راعی؛ همان.

۵۱. اردبیلی، محمد؛ «تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۴۳، بهار و تابستان ۱۳۸۵، ص ۵۹.

۵۲. برای آشنایی با رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در این خصوص، ن.ک:

Grand Stevens and Others v. Italy-Application No 18640/90 March.4.2014.Final July.7.2014 & *Mulsosmani v. Albania*-Application No29864/03 Oct.8.2013.Final January.8.2014.

53. Chorniy

تصریح شده در این بخش را واجد جنبه‌های ویژه‌ای از حق دادرسی منصفانه می‌داند که در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون تضمین شده، ترجیح می‌دهد که به شکایت مطروحه، توأمأ و مبتنی بر هر دو بخش از مستند قانونی مذکور رسیدگی کند.^{۵۴} لازم به ذکر است که حق مزبور در برخی اسناد دیگر، از جمله در قسمت (ب) بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی،^{۵۵} و بند (ج) ماده ۸ پیمان‌نامه امریکایی حقوق بشر^{۵۶} نیز تصریح شده است.

درحقیقت، آنچه در این اسناد بر آن تأکید شده است، اعطای زمان کافی به خواننده جهت تهیه مدارک، مستندات و دفاعیات مربوط به اتهامش است. اما هیچ‌یک از اسناد فوق به محدوده زمانی خاصی در این خصوص اشاره نکرده‌اند و این مسئله‌ای است که می‌تواند تا حدی ابهامات دیگری را به همراه داشته باشد زیرا در صورت عدم اعلام زمان و مهلت مشخص و مقرر، مدت معقول (مندرج در متون)، طبیعتاً متعارف شده و این عرف معقول و معمول، خود می‌تواند از دادگاهی به دادگاه دیگر و از کشوری به کشور دیگر، متفاوت باشد و مسائل و حواشی دیگری را به وجود آورد.

از مصادیق دیگر حق دفاع می‌توان به بند (ج) ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اشاره کرد. به موجب مستند مذکور، متهم (یا خواننده) می‌تواند یا شخصاً از خود دفاع کند یا با انتخاب خودش از معاضدت وکیل برخوردار شود و اگر توان کافی برای پرداخت هزینه وکیل نداشته باشد، چنانچه مصالح عدالت اقتضا کند، برای او وکیل تسخیری در نظر گرفته شود. همان گونه که ملاحظه می‌شود، در بند مزبور، امکان دفاع، هم توسط خود خواننده و هم توسط وکیل مدافع خواننده، پیش‌بینی شده است. پُر واضح است که حق داشتن وکیل، یکی از تضمینات حقوق دفاعی است که در اسناد حقوق بشری بارها بر آن تأکید شده است. در واقع، «حق برخورداری از وکیل، از مهم‌ترین شروط فرایند دادرسی عادلانه در محاکم داخلی و بین‌المللی است».^{۵۷} جالب‌تر آن است که متون و اسناد مزبور، نه تنها مؤید حق برخورداری خواننده از انتخاب وکیل است، بلکه به موجب برخی از آن‌ها از جمله «اصل پنجم اصول مبنایی نقش وکلا، حکومت‌ها [نیز] باید تضمین کنند که مراجع ذی‌صلاح، فوراً این حق انتخاب را به متهم دستگیرشده یا بازداشتی

54. *Case of Chorniy v. Ukraine*-Application No35227/06-May.16.2013-Final Aug.16.2013.

55. «وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد».

56. Article 8 (Right to fair trial)

3) Adequate time and means for the preparation of his defense.

(American Convention on Human Rights –Signed at the Inter-American Specialized Conference on Human Rights/San Josi-Costa Rica.22 November 1969).

57. سلیمان، ابوالفضل؛ عبدالله صدیقیان و ام‌الله ساجدی؛ «حق داشتن وکیل از منظر حقوق بشر و ایران»، *دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی*، سال دوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۲، ص ۴۹.

منعکس می‌کنند».^{۵۸} نکته دیگری که در خصوص بحث معاضدت قضایی در بند (ج) ماده ۶ به چشم می‌خورد این است که با ملاحظه در مفاد مستند مذکور، به نظر می‌رسد که «ظاهراً منطوق کنوانسیون در صدد تفکیک وضعیت متهم فاقد منابع و امکانات مالی، نسبت به متهم دارای توانایی مالی است که در مورد اول، معاضدت حقوقی رایگان است و تنها در مورد اخیر (اشخاص دارای توانایی مالی) حق انتخاب وکیل یا مشاور حقوقی به نظر خود را دارند».^{۵۹} بنابراین «اگر متهم دستگیر شده یا فرد بازداشتی، مشاور حقوقی انتخابی نداشته باشد، در همه مواردی که عدالت اقتضا می‌کند، مستحق آن است که برای وی مشاور حقوقی تعیین شود و اگر خود متهم توانایی پرداخت حق الزحمه وکیل را نداشته باشد، خدمات مزبور، رایگان ارائه می‌شود».^{۶۰} با نگرشی اجمالی بر آرای دیوان اروپایی حقوق بشر، آشکار می‌شود که رویه دیوان نیز مبتنی بر نظریه‌های فوق است.^{۶۱}

آنچه در این میان محرز است، حق مسلم خواننده دعوا در برخورداری از مساعدت قضایی و دسترسی به وکیل مدافع، آن هم در تمام مراحل دادرسی است. دادگاه اروپایی حقوق بشر در یکی از جدیدترین آرای صادره، ادعای شخصی به نام چپنکو^{۶۲} را که به علت عدم دسترسی به وکیل در آغاز مرحله بازجویی و نیز عدم توانایی‌اش در شرکت در مرحله رسیدگی فرجامی، شکایتی علیه دولت اوکراین مطرح کرده بود، قابل‌استماع تشخیص داد و به اتفاق آرا، رأی بر عدول دولت خواننده از مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نقض بند ۱ و قسمت (ج) از بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون مذکور توسط دولت مزبور صادر کرد.^{۶۳}

۶. اصل علنی بودن دادرسی

«علنی بودن دادرسی، وضعیتی است که در آن جلسات رسیدگی به اتهام متهم، بدون ایجاد مانع بر سر راه حضور افراد عادی و رسانه‌های عمومی تشکیل و اداره می‌شود. عدول از اصل علنی بودن دادرسی، جز در موارد مصرحه در قانون که تنها در شرایطی دموکراتیک و در نتیجه

۵۸. ضیایی‌فر، محمدحسن؛ «حق برخورداری از وکیل یا مشاور حقوقی در مرحله مقدماتی با تأکید بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»، نشریه حقوق اساسی، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۶، ص ۴۲۳.

۵۹. جانی‌پور، مجتبی؛ «وکیل معاضدتی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه قضایی»، نشریه راه وکالت، شماره ۴۳، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۱.

۶۰. ضیایی‌فر؛ همان، ص ۴۲۴.

61. *Case of Krylov v. Russia*-Application No 36697/03-March.14.2013-Final.Jun.14.2013.

See also: *Case of Tsonyo Tsonev v. Bulgaria* (No.3)-Application No. 21124/04-oct.16.2012-Final.Jan.16.2013.

62. Chopenko

63. *Case of Chopenko v. Ukraine*-Application No. 17735/06, January 15, 2015.

موازنه منافع و ارزش‌های متعارض تجویز می‌شود، نقض اصول دادرسی منصفانه و نادیده‌گرفتن حقوق اساسی افراد تلقی می‌شود.^{۶۴} «علنی بودن دادرسی به این معنی است که علاوه بر طرفین اختلاف، عموم مردم نیز حق حضور در جلسه رسیدگی را داشته باشند و بتوانند از چگونگی اجرای عدالت در مراجع حل اختلاف، آگاهی یابند. این امر علاوه بر ایجاد امکان پایش دادرسی توسط افکار عمومی، نشانه اعتماد به نفس نهاد رسیدگی‌کننده نیز هست.»^{۶۵} امروزه اصل علنی بودن دادرسی، یکی از معیارهای اساسی و بنیادین دادرسی عادلانه قلمداد می‌شود زیرا همان گونه که گفته‌اند، «کافی نیست که عدالت به مرحله اجرا در آید، بلکه لازم است اعمال عدالت، ملموس و رؤیت‌شدنی باشد.»^{۶۶} ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به صراحت بر اصل علنی بودن دادرسی تأکید دارند و مشخصاً با استفاده مشترک از عبارت «هر کس حق دارد»، اصل مزبور را از حقوق حقه اصحاب دعوا، اعم از خواهان و خوانده در جریان دادرسی عادلانه می‌دانند. با ملاحظه این سند و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مشخص می‌شود که اسناد مزبور، علنی بودن جریان دادرسی را در واقع در دو مرحله تبیین کرده‌اند؛ یکی در مرحله فرایند رسیدگی و دیگری در مرحله اعلام حکم و این خود به مراتب بر اهمیت اصل علنی بودن دادرسی می‌افزاید زیرا «علنی بودن احکام صادره از مراجع دادرسی این مزیت را دارد که اجرای عدالت را علنی و عمومی کرده و دقت در این آرا و نقد آن را میسر می‌سازد. وقتی حکمی به صورت علنی صادر می‌شود، تمامی صاحب‌نظران می‌توانند به نقد این رأی پرداخته و در بهبود وضعیت قضایی کشور، نقش مهمی ایفا کنند.»^{۶۷}

در همین راستا، دادگاه اروپایی حقوق بشر به پرونده‌های متعددی با مضمون «اصل علنی بودن دادرسی» و با استناد به نقض مقررات مندرج در ماده ۶ پیش‌تر گفته، رسیدگی کرده است.^{۶۸} اما نکته قابل توجه در آرای دیوان، چه در رابطه با اصل موردنظر و چه در خصوص سایر اصول و حقوق مصرح در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بعضاً رویه‌هایی است که در قالب تصمیمات دیوان به وجود می‌آید. این تصمیمات، مبتنی بر اظهارات حضوری و شفاهی اصحاب

۶۴. امیدی، جلیل و سمیه نیکویی؛ «تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری»، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۵۸، پاییز ۱۳۸۷، ص ۲۳.

۶۵. شمس، عبدالله؛ *آیین دادرسی مدنی*، جلد دوم، چاپ ششم، دراک، ۱۳۸۳، ص ۱۵۴.

۶۶. آشوری، محمد و دیگران؛ *حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت*، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، ص ۳۴۴.

۶۷. رزاقی، کیانوش؛ «استانداردهای دادرسی در اسناد بین‌المللی و نظام قضایی ایران»، نشریه کانون، شماره ۱۰۵، خرداد ۱۳۸۹، صص ۹۳ و ۹۴.

68. For example see the *Case of Trancikova v. Slovakia*-Application No 17127/12-January 13, 2015.

دعوا یا لویح آن‌ها و به دنبال ارزیابی دادگاه^{۶۹} از محتوای مباحث عنوان‌شده اتخاذ شده و به‌نوعی فصل‌الخطاب پرونده‌های مطرح‌شده و چه‌بسا رویه‌ای برای تصمیمات آتی خواهد شد. با ملاحظه جمالی در چگونگی تصمیم‌گیری و نحوه انشای رأی قضات مشخص می‌شود که دادگاه در بسیاری از موارد (چنانچه رویه‌ای در گذشته وجود داشته باشد)، نظر خود را مستدل، مبتنی و مستند به آرای سابق می‌کند. به‌عنوان نمونه‌ای از این آرا می‌توان به پرونده *رامی*^{۷۰} در مقابل کشور استونی اشاره کرد. دادگاه در این پرونده تصریح می‌کند که «رسیدگی علنی در محاکم، قاعده مطلق نیست. ممکن است دادرسی‌هایی صورت پذیرد که در آن، رسیدگی حضوری و شفاهی ضروری نباشد. به‌عنوان مثال، هنگامی که هیچ موضوع قابل‌قبول یا واقعیت قابل‌اعتراضی وجود نداشته باشد که نیاز به استماع اظهارات حضوری طرف‌های دعوا باشد، دادگاه می‌تواند منصفانه و منطقاً و صرفاً بر مبنای اظهارات مکتوب اصحاب دعوا تصمیم بگیرد».^{۷۱} دادگاه همچنین آشکار می‌کند که «ماهیت اوضاع و احوالی که می‌تواند رسیدگی حضوری را توجیه کند، اساساً در اختیار دادگاه‌های صلاحیت‌دار ملی است».^{۷۲}

۷. اصل عدم بازداشت خودسرانه

از دیگر اصول اساسی در مبحث دادرسی عادلانه، اصل عدم بازداشت خودسرانه است. «اصطلاح بازداشت خودسرانه نیز مشابه بسیاری از اصطلاحات حقوق‌بشری در اسناد حقوق بشر تعریف نشده است. معنی و مفهوم اصطلاح آزادی و بازداشت، نسبتاً روشن بوده و نیاز به توضیح چندانی ندارد، اما بیشتر ابهام در اصطلاح خودسرانه است که باید مفهوم و مراد از آن مشخص شود. در مذاکرات مربوط به تدوین ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ آمده، اصطلاح «خودسرانه» در این سند به کار گرفته شد تا معنای «ناعادلانه» یا «مغایر با اصول دادگستری» یا «مغایر با کرامت شخص انسان» را بفهماند. کمیته حقوق بشر در خلال رسیدگی به یکی از پرونده‌های مطروحه [نیز] اعلام کرده، این اصطلاح، مفهومی گسترده‌تر از «مغایر با قانون» دارد و شامل عناصری از «عدم تناسب»، «ناعادلانه و غیرمنصفانه»، «فاقد اسنادپذیری» و «نبود فرایند دادرسی قانونی» می‌شود. بنابراین معنای این اصطلاح، چیزی فراتر از «غیرقانونی» بوده و از این جهت در تعریف این اصطلاح، برخی آن را به معنای «توقیف اشخاص بدون رعایت تشریفات قانونی یا بدون رهایی از بازداشت یا حبس» دانسته‌اند که قربانی آن به‌طور نامحدود و غیرمشخص، بدون هرگونه اتهام و رعایت تشریفات دادرسی و فرایند تعقیب جزایی، در چنین

69. The Court Assessment

70. Rummi

71. *Case of Rummi v. Estonia*-Application No 63362/09- January 15, 2015.

72. *Ibid.*

وضعیتی (توقیف یا حبس) نگه داشته می‌شود. [به عبارت دیگر و] مطابق تعریف حاضر، بازداشت خودسرانه اشخاص، وقتی محقق می‌شود که مقامات دولتی، بدون دلیل مناسب، صحیح و قانونی، اشخاص را در بازداشت یا حبس قرار دهند».^{۷۳}

در خصوص اصل عدم بازداشت خودسرانه نیز همچون سایر حقوق مربوط به دادرسی عادلانه، اسناد حقوق بشری متعددی وجود دارد که مؤید حق آزادی خوانده (متهم) از بازداشت غیرقانونی است. ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر در یک قاعده کلی، همه افراد را علی‌الطلاق دارای حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی می‌داند.^{۷۴} ماده ۹ اعلامیه مزبور نیز در حکمی کلی بر ممنوعیت بازداشت خودسرانه تصریح کرده است.^{۷۵} همچنین ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند ۱ با جزئیات بیشتری بر ممنوعیت بازداشت خودسرانه تأکید کرده، اشعار می‌دارد: «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد. از هیچ‌کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و آیین دادرسی مقرر به حکم قانون». میثاق همچنین در بند ۳ ماده ۹ بر استثنایی بودن قرار بازداشت موقت تأکید داشته، اعلام می‌کند که نباید بازداشت اشخاص در انتظار دادرسی را قاعده کلی دانست.^{۷۶} بند ۴ ماده ۹ این سند مهم حقوق بشری نیز به نوعی مؤید حق اعتراض زندانی به دادگاه به منظور رسیدگی به وضعیت قانونی بودن یا غیرقانونی بودن بازداشت خود است.^{۷۷}

«مجموعه اصول برای حمایت از تمامی اشخاص، تحت هر شکل از بازداشت یا حبس مصوبه قطعنامه ۴۳/۱۷۳ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۸۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد»، از دیگر اسناد حقوق بشری است که متضمن قواعدی در خصوص اصل عدم بازداشت خودسرانه است. بند ۲ اصل ۳۶ سند مزبور با محور قراردادن عدالت در زمان صدور قرار بازداشت موقت، اشعار می‌دارد: «جلب یا بازداشت اشخاصی که انجام تحقیقات و محاکمه آنان مستلزم این امر است، باید تنها با

۷۳. ابراهیمی، محمد؛ «آزادی از بازداشت خودسرانه»، در:

www.pajoohe.com/fa/print.php?UID=43706.

۷۴. «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد».

۷۵. «احدی نباید خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید شود».

۷۶. بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هرکس که به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت (زندانی) می‌شود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون، مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر کرد و باید در مدت معقوله محاکمه یا آزاد شود. بازداشت (زندانی کردن) اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قاعده کلی باشد لیکن ممکن است آزادی موقت، موکول به اخذ تضمین‌هایی بشود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضایی و حسب مورد برای اجرای حکم، تأمین کند».

۷۷. بند ۴ ماده ۹: «هرکس که بر اثر دستگیر یا بازداشت (زندانی) شدن از آزادی محروم می‌شود، حق دارد که به دادگاه تظلم نماید، به این منظور که دادگاه، بدون تأخیر، راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار نظر کرده و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت، حکم آزادی او را صادر کند».

هدف اجرای عدالت و بر مبنای عدالت انجام گیرد». بند مزبور در ادامه با تأکید بر ضرورت قاعده‌مندسازی قراردادهای بازداشت صادره از محاکم و تبیین این نکته اساسی که شرایط و روند رسیدگی در جهت بازداشت متهم را نیز باید قانون مشخص کند، اعلام می‌کند که «تحمیل محدودیت بر افرادی که نیاز قطعی به جلب یا بازداشت آنان در راستای صیانت از نظم و امنیت عمومی نیست، ممنوع است». (اصل ۳۷) همین سند حقوق بشری نیز با صحنه‌گذاردن بر «اصل عدم طولانی‌شدن بازداشت» (در اینجا منظور بازداشت قانونی است)^{۷۸} اشاره می‌کند: «شخصی که به اتهامی جزایی بازداشت شده باشد باید بلافاصله پس از توقیف، به مقام قضایی یا مقام دیگر که در قانون پیش‌بینی شده ارجاع داده شود. چنین مقامی باید بدون تأخیر درباره قانونی‌بودن و ضرورت بازداشت تصمیم بگیرد. هیچ شخصی نباید طی تحقیقات یا محاکمه، تحت بازداشت باشد مگر با دستور کتبی چنین مقامی. شخص بازداشت‌شده باید هنگامی که نزد چنین مقامی آورده می‌شود، حق داشته باشد درباره رفتاری که هنگام بازداشت با او شده، سخن بگوید».

سند دیگری مشهور به «قواعد توکیو» که در سال ۱۹۹۰ میلادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌رسد نیز با تسری اصل عدالت‌محوری بر همه مراحل دادرسی، به صراحت اعلام می‌کند که «محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های مذکور در قواعد این سند در مورد همه افراد تحت تعقیب، تحت محاکمه یا محکومان و در کلیه مراحل اجرای عدالت کیفری باید مورد توجه قرار گیرد و از نظر این قانون، اشخاص مزبور، صرف‌نظر از اینکه مظنون، متهم یا محکوم باشند، به‌عنوان متخلف نامیده می‌شوند».^{۷۹} بند ۱ ماده ۶ این سند نیز بازداشت‌های موقت را آخرین وسیله در دادرسی‌های جزایی قلمداد می‌کند.^{۸۰} همچنین ماده ۱۷ توصیه شماره ۱۳ سند معروف به «رهنمودهای ریاض»^{۸۱} در حکمی مشابه با قاعده فوق، اشعار می‌دارد: «بازداشت قبل از محاکمه باید به‌عنوان آخرین چاره و برای کوتاه‌ترین دوره زمانی ممکن صورت گیرد». در مقام

۷۸. اگرچه در نظام بین‌المللی حقوق بشر، حق آزادی افراد، شناسایی شده است، حقوق مزبور، آزادی کامل اشخاص در مقابل دستگیری و بازداشت را تضمین نمی‌کند زیرا این اسناد (حقوق بشری) هرگونه دستگیری و بازداشت افراد را منع نکرده‌اند بلکه صرفاً بازداشت‌های خودسرانه را نامشروع و غیرقانونی می‌دانند. لذا سلب آزادی اشخاص اگر چنانچه بر اساس موازین حقوق بشری و به‌صورت قانونمند صورت گرفته باشد، بالامانع است و البته دارای محدودیت‌های خودش است که یکی از این محدودیت‌ها اصل عدم طولانی‌شدن بازداشت است. برای مطالعه بیشتر، ن. ک: ابراهیمی؛ همان.

۷۹. «بند ۱ ماده ۲، حداقل قواعد معیار سازمان ملل متحد برای قراردادهای غیرحیسی (موصوف به قواعد توکیو)، مصوبه قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰».

۸۰. بند مذکور اشعار می‌دارد: «بازداشت پیش از محاکمه به‌منزله آخرین ابزار توسل در رسیدگی کیفری با توجه دقیق به تحقیق راجع به تخلف مورد ادعا و برای حمایت از جامعه و قربانی مورد استفاده قرار خواهد گرفت».

۸۱. رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان.

تأیید اسناد مذکور و نظر به اهمیت موضوع، سند دیگری به نام «مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانانی که از آزادی محروم شده‌اند، مصوبه قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۳ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد»، به دولت‌های عضو توصیه می‌کند که «تا آنجا که ممکن است از بازداشت پیش از محاکمه نوجوانان اجتناب شود و آن را به موقعیت‌های استثنایی محدود سازند».^{۸۲}

از دیگر موارد مهم در صدور قرار بازداشت موقت این است که اگر «پس از صدور قرار بازداشت موقت، مشخص و محرز شود که فرد بازداشت‌شده، هیچ‌گونه ارتباطی با اتهام مطرح‌شده در پرونده ندارد و در نتیجه، قرار بازداشت موقت، منتفی و قرار منع تعقیب صادر شود، [آیا] در این حالت، فرد آزاد شده می‌تواند از مقامات صالحه یا مراجع مربوطه، تقاضای جبران خسارت وارده را نماید»؟^{۸۳}

در مقام پاسخ به سؤال فوق باید توجه داشت که به موجب بند ۵ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، «هرکس به‌طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شده باشد، حق جبران خسارت را خواهد داشت». در این خصوص، بند ۵ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز به‌صراحت اعلام می‌کند که: «هرکس به جهت دستگیری یا بازداشتی که برخلاف مقررات مذکور در این ماده انجام شد، متضرر شود، حق دریافت خسارت را دارد». نکته قابل‌تأمل در اینجا، وجه افتراق بین دو مستند اخیر است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، حکم جبران خسارت، هم در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و هم در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تصریح و بر آن تأکید شده است. «اما حکم مندرج در میثاق، مربوط به بازداشت به شکل عام و کلی بوده، لیکن کنوانسیون مزبور به بازداشت غیرمعقول و غیرمعمول اشاره می‌کند».^{۸۴}

دادگاه اروپایی حقوق بشر در خصوص اصل عدم بازداشت غیرقانونی (موضوع ماده ۵ کنوانسیون) نیز همچون سایر موارد با پرونده‌های متعددی مواجه است. در پرونده *موسائو*^{۸۵} علیه دولت ترکیه، «خواهان، تبعه یک دولت خارجی است که در مدت اقامت خود در ترکیه به اتهام

^{۸۲} بند ۲ از بخش اول سند مزبور اشعار می‌دارد: «نوجوانان فقط باید مطابق اصول و روش‌های تعیین‌شده در این مقررات و مقررات مربوط به حداقل ضوابط سازمان ملل متحد (مقررات پکن) از آزادی محروم شوند. محروم کردن نوجوانان از آزادی باید آخرین راه چاره و برای کمترین زمان لازم باشد و باید به موارد استثنایی محدود شود. زمان حبس باید به‌وسیله مقام قضایی، بدون به‌خطرانداختن امکان آزادی زودهنگام نوجوانان تعیین شود». برای اطلاع بیشتر از اسناد معنونه در این بخش و سایر اسناد حقوق بشری در این زمینه، ن.ک: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، مندرج در: <http://www.unic-ir.org>.

^{۸۳} برگرفته از متن سخنرانی جعفر کوشا در همایش علمی قضات ایران و اروپا. منبع: اعتماد ملی به نشانی: <http://www.roozna.com/Negarsh> story/?Id=14652http://www.roozna.com/Negarsh
2015/01/21

^{۸۴} راعی؛ همان.

دست داشتن در قتل عمد، مدتی بازداشت می‌شود. او در دادخواست خود به دادگاه اروپایی حقوق بشر اظهار می‌دارد که اولاً، بازداشت وی غیرقانونی بوده؛ ثانیاً، اطلاع کافی از علت بازداشت و محرومیتش از آزادی نداشته؛ ثالثاً، در هشت روز ابتدایی بازداشت به علت شرایط نامساعد فیزیکی و به جهت تعدد زندانیان و نداشتن فضای مناسب از لحاظ بهداشتی در وضعیت نامناسبی قرار گرفته است. خواهان همچنین ادعا می‌کند که از دسترسی به مرجع صالح قضایی برای اقامه دعوا در خصوص موارد نقض مقررات و دریافت غرامت نیز محروم بوده است. دادگاه اروپایی در بررسی و ارزیابی محتوای شکوائیه و در مقام اتخاذ تصمیم به نکات جالبی اشاره می‌کند که تا حدودی مبین نقش مهم رویه‌های مبتنی بر آرای سابق است. در پاراگراف ۳۹ از پرونده فوق، دادگاه با استناد به پرونده‌های *عبدالخانی و دیگران، تهرانی و دیگران، دی بوبا و یاراشونین*^{۸۶} تأکید می‌کند که طبق بررسی‌ها در پرونده‌های مذکور، بر دادگاه محرز شده که نظام حقوقی ترکیه در خصوص افرادی که در موضع خواهان دعوای جبران خسارت [ناشی از بازداشت غیرقانونی] قرار می‌گیرند، هیچ‌گونه تمهیداتی نیندیشیده و هیچ نوع قواعدی نیز پیش‌بینی نکرده است که بر اساس آن، خواهان بتواند تقاضای رسیدگی مجدد و تجدیدنظرخواهی از بازداشت غیرقانونی‌اش بکند. بنابراین تا زمان فقدان چنین مقرراتی، دادگاه ضروری نمی‌داند که از احکام قبلی خود عدول کند.^{۸۷}

نکته قابل توجه در اینجا علاوه بر چگونگی استدلال دادگاه اروپایی حقوق بشر، اشاره صریح به رویه‌های دادگاه در پرونده‌های قدیمی‌تر و با موضوعات مشابه بوده که قطعاً در صورت عدم تغییر اوضاع و احوال، ممکن است احکام قضایی بعدی دیوان نیز به آن استناد کنند.

۸. حق برخورداری از دادرسی سریع

حق بهره‌مندی اصحاب دعوا از دادرسی سریع و غیرطولانی از مصادیق بارز دادرسی عادلانه است که همچون سایر اصول، در اسناد حقوق بشری به صراحت ذکر شده است. «پیچیدگی سیستم‌های حقوقی یا تکنیکی بودن برخی دعاوی، عدم سازماندهی صحیح و مناسب دادگستری، لزوم دخالت مراجع قضایی یا اداری متعدد در جریان رسیدگی و عدم وجود نیروی متخصص مناسب (از نظر کمی و کیفی) را می‌توان از عواملی برشمرد که سبب کندشدن جریان دادرسی است».^{۸۸} قسمت (ج) از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، رسیدگی و

86. For more information see the cases of *Abdolkhani and Karimian v. Turkey*-Application No 30471/08. Sep.22.2009 & *Tehrani and Others v. Turkey*-Application No. 32940/08,41626/08,43616/08 – April.13.2010 & *Dbouba v. Turkey*-Application No 15916/09-July.13.2010 in the official website of European Court of Human Rights.

87. Case of *Musaeu v. Turkey* Application No 72754/11 October.21.2014-Final January.21.2015.

قضاوت بدون تأخیر غیرموجه را از حداقل تضمین‌های حقوق متهمین در محاکم می‌داند. بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز که صرفاً ناظر بر حقوق اشخاص بازداشت‌شده بود، اشعار می‌دارد: «هرکس که مطابق با قسمت (ج) مقررات فوق‌الذکر [مقررات مندرج در کنوانسیون اروپایی] دستگیر یا بازداشت می‌شود باید... در مدت معقول، حق برخورداری از انجام محاکمه یا آزادی تا زمان محاکمه را داشته باشد». همچنین بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون مذکور با صراحت بیشتری به حق برخورداری اصحاب دعوا (اعم از حقوقی و کیفری)^{۸۹} از دادرسی سریع اشاره کرده، اشعار می‌دارد: «برای تعیین حقوق و تکالیف یک فرد یا رسیدگی به هر اتهامی که علیه او مطرح شده است، باید دادرسی... در مدت معقول انجام شود». البته همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، ممکن است عدم تعیین مدت دقیق یا عدم ارائه ضابطه خاص برای مدت معقول، ابهاماتی را در روند اعمال درست مصوبه مذکور به همراه داشته باشد. در هر صورت، آنچه مسلم است، این نکته است که بسیاری از آرای کمیسیون و دیوان اروپایی حقوق بشر تا کنون، به واسطه نقض مقررات ماده ۶ کنوانسیون اروپایی و در خصوص عدم رعایت مهلت منطقی مزبور بوده است، به‌گونه‌ای که می‌توان اذعان کرد «امروزه بیش از سی درصد شکایات در دادگاه اروپایی حقوق بشر به جهت اطاله بی‌دلیل دادرسی در محاکم است».^{۹۰} در یکی از آخرین پرونده‌ها، موضوع شکایت هوهولم^{۹۱} علیه اسلواکی دائر بر اطاله بی‌مورد دادرسی مطرح بود و خواهان مدعی تطویل در رسیدگی در خصوص دعوای میان وی و همسرش در محاکم اسلواکی بود که در تعارض با الزامات ناشی از مدت معقول مندرج در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده است. دادگاه اروپایی حقوق بشر، نظر به نقض مقررات مزبور توسط خواننده، رأی بر محکومیت دولت اسلواکی صادر کرد.^{۹۲} دادگاه همچنین در پرونده‌های کینکسس^{۹۳} در برابر مجارستان و موکانو^{۹۴} و دیگران در مقابل رومانی، رویه‌ای مشابه در پیش گرفت.^{۹۵}

۸۹. با ملاحظه مفاد بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون و استفاده مستند قانونی مزبور از عبارت «حقوق و تکالیف یک فرد» و متعاقباً آوردن کلمه «با» قبل از «رسیدگی به اتهام»، مشاهده می‌شود که هدف واضعین کنوانسیون مزبور، جداسازی عامدانه اصحاب دعوای حقوقی از متهمان دعوای کیفری بود. بنابراین ماده ۶ ناظر بر تسری دادرسی سریع (در مدت معقول) به تمام اصحاب دعوای حقوقی و کیفری است، حال آنکه بند ۳ ماده ۵ همان کنوانسیون، صرفاً در خصوص حقوق افراد بازداشت‌شده و مآلاً متهمین دعوای کیفری بوده و این امر در واقع، وجه افتراق بین دو ماده مذکور است.

۹۰. راعی؛ همان.

91. Hoholm

92. Case of *Hoholm v. Slovakia*-Application No 35632/13-January.13.2015.

93. Kincses

94. Mocano

95. Case of *Kincses v. Hungary*-Application No 66232/10-January 27, 2015 & Case of *Mocanu and Others v. Romania*-Application Nos. 10865/09-45886/07-32431/08-September 14, 2014. For more information see the European Court of Human Rights: website: <http://hudoc.echr.coe.int/site/eng/pages/search>.

۹. حق بر غرامت و جبران خسارت به جهت تصمیم نادرست یا اشتباه قاضی

در بند ۳ پروتکل شماره ۷ الحاقی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به حق بر غرامت و جبران خسارت به علت تصمیم نادرست قضایی یا حکم اشتباه قاضی که منجر به محکومیت ناروای متهم و ورود ضرر به محکوم علیه شده، اشاره و بر آن تأکید شده است. به موجب سند مزبور: «هنگامی که فردی به اتهام ارتکاب جرمی و به واسطه صدور حکم نهایی محکوم شده و متعاقباً محکومیتش نقض می‌شود یا به علت موضوعاتی که به تازگی کشف شده، مشخص می‌شود که رأی ناعادلانه بوده است، وی که به علت اعمال این‌گونه احکام، متضرر می‌شود، می‌تواند بر اساس قانون یا رویه قضایی، غرامت دریافت کند، مشروط بر آنکه عدم افشای موضوع نامعلوم مزبور در زمان صدور رأی، کلاً یا جزئاً قابل انتساب به وی نباشد».^{۹۶}

مستند قانونی مزبور در خصوص نوع ضرری که به شخص زیان دیده وارد شده، توضیحی نداده است. به عبارت دیگر، میان ضرر مادی و معنوی، تفکیکی قائل نشده است. این عدم تفکیک، نحوه جبران خسارت و دریافت غرامت را نیز با ابهام مواجه می‌کند؛ به این معنا که نص صریح ماده مزبور مشخص نمی‌کند که آیا دریافت غرامت فقط به علت ایراد خسارت مادی است یا خواهان می‌تواند به جهت ضررهای غیرمادی نیز مطالبه غرامت کند؟

علی‌رغم این سکوت قانون، دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده پوغوسیان^{۹۷} و باغداساریان^{۹۸} علیه ارمنستان در حین بررسی دادخواست خواهان، در مقام تفسیر ماده مزبور برآمده، اشعار می‌دارد: «هدف ماده ۳ پروتکل شماره ۷ الحاقی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، صرفاً جبران خسارت‌های مادی ناشی از محکومیت‌های قضایی نادرست نیست بلکه هدف فراهم کردن شرایطی برای جبران خسارات وارده به شخص محکوم‌علیهی است که به علت بی‌عدالتی قضایی، متحمل خسارت غیرمادی مانند افسردگی، اضطراب، اذیت و آزار روحی شده است».^{۹۹}

نتیجه

با ملاحظه مقاله حاضر و بررسی آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر، آنچه مشهود می‌شود، رویکرد آرمان‌گرایانه این دادگاه به مقوله حقوق بشر و تقویت این مهم با استناد به اسناد و مستندات سابق و لاحق حقوق بشری است. پیشرفت این نهاد قضایی منطقه‌ای در دهه‌های اخیر به حدی ملموس است که می‌توان ادعا کرد که احکام و رویه‌های قضایی در دادگاه مذکور با درنوردیدن

96. (Article 3 of Protocol No. 7 to the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms).

97. Poghosyan

98. Baghdasaryan

99. Case of Poghosyan and Baghdasarian v. Armenia-Application No 22999/06-June.12.2012-Final Sep.12.2012.

مرزهای جغرافیایی جوامع اروپایی، برای همه کشورهای متمدن جامعه بین‌المللی، الگوی قضایی خاصی را حداقل در ذهن و اندیشه ایجاد کرده است و شاید بتوان این مهم را حرکتی به سمت تعالی مفهوم حقوق بشر و مآلاً بارقه‌ای در جهت تکامل حقوق بین‌الملل محسوب کرد. با لحاظ آورده‌های دادگاه می‌توان به این نتیجه رسید که عدالت قضایی تعریف شده در سخنان اندیشمندان حقوق، باید در میزان توجه به حقوق بشر ارزیابی شود. تقدم تدریجی آرای مراجع قضایی و حتی شبه‌قضایی بر منابع اصلی حقوق بین‌الملل در مسیر تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل در این راستا قابل ارزیابی است. این سخنان بدان معناست که سخن از عدالت قضایی نمی‌تواند از نگاه به حقوق بشر و توجه ویژه به کرامت انسانی به دور باشد و تحقق این معنا در گرو عواملی چند، از جمله التزام عملی دستگاه قضایی به صیانت از حقوق خواهان و خوانده و رعایت اصول دادرسی منصفانه و عادلانه است. نگاه جدیدی که این تحقیق به دست می‌دهد اثبات این سخن است که رویکرد پوزیتیویستی و حاکمیت‌محوری در حقوق، در حال تبدیل شدن به نگاه کرامت‌محوری است. ایجاد فرصت‌های جدید برای شهروندان در احقاق حق، آن‌هم در سطح یک مرجع بین‌المللی، نشان از این نگاه دارد.

منابع:

الف) فارسی

– کتاب

- آشوری، محمد و دیگران؛ حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- دبیری، محمدرضا؛ حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین‌المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.
- شمس، عبدالله؛ آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ ششم، دراک، ۱۳۸۳.

– مقاله

- اردبیلی، محمد؛ «تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
- امیدی، جلیل و سمیه نیکویی؛ «تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری»، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۵۸، پاییز ۱۳۸۷.
- جانی‌پور، مجتبی؛ «وکیل معاضدتی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه قضایی»، نشریه راه وکالت، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- رزاقی، کیانوش؛ «استانداردهای دادرسی در اسناد بین‌المللی و نظام قضایی ایران»، نشریه کانون، شماره ۱۰۵، خرداد ۱۳۸۹.
- ساقیان، محمد مهدی؛ «اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری، با تأکید بر حقوق فرانسه و ایران»، مجله حقوقی دادگستری، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
- سلیمیان، ابوالفضل، عبدالله صدیقیان و امراالله ساجدی؛ «حق داشتن وکیل از منظر حقوق بشر در ایران»، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۲.
- سیدفاطمی، سیدمحمد؛ دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۵، ۱۳۷۹.
- ضیایی‌فر، محمدحسن؛ «حق برخورداری از وکیل یا مشاور حقوقی در مرحله مقدماتی، با تأکید بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»، نشریه حقوق اساسی، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۶.
- قراچورلو، رزا؛ «انصاف و بی‌انصافی در دادگاه‌های اروپا»، مجله وکالت، تیر ۱۳۸۱.

- «اصول بنگلور در خصوص رفتار قضایی مصوب ۲۰۰۲ میلادی»، ترجمه: فاطمه قناد، نشریه فقه و حقوق، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۴.
- یآوری، اسدالله؛ «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین»، نشریه حقوق اساسی، تابستان ۱۳۸۳.

- تارنما

- ابراهیمی، محمد؛ آزادی از بازداشت خودسرانه، عنوان مقاله مندرج در پایگاه اینترنتی پژوه (pajoohe) به نشانی: www.pajoohe.com/fa/print.php?UID=43706
- سخنرانی مسعود راعی دهقی در همایش حقوق خواهان و خوانده، کانون وکلای دادگستری استان اصفهان، شهریور ۱۳۹۳، منبع: تقریرات مسعود راعی در دوره دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.
- سخنرانی جعفر کوشا در همایش علمی قضات ایران و اروپا، به نشانی: <http://www.roozna.com/Negaresh>
<http://lawtoday.ir/article/2021-2015/01/21>

- قوانین و اسناد

- اصول بنگلور مصوب سال ۲۰۰۲.
- اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره ۱۹۹۰.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب دهم دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد
- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۹۸.
- مقاله‌نامه بین‌المللی الغای کلیه اشکال تبعیض‌نژادی مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل.
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
- حداقل قواعد معیار سازمان ملل متحد برای قرارهای حبس (مصوبه قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۰ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) (قواعد توکیو).
- مجموعه اصول برای حمایت از تمامی اشخاص تحت هر شکل از بازداشت یا حبس (مصوبه قطعنامه ۴۵/۱۷۵ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۸۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد).
- مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانانی که از آزادی خود محروم شده‌اند. (مصوبه قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۳ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد).

• سند رهنمودهای ریاض مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

ب) انگلیسی

- American Convention on Human Rights, Signed at the Inter-American Specialized Conference on Human Rights. San Josi-Costa Rica, November.22.1996.
- Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms.
- International Covenant on Civil and Political Law
- International Convention on the Elimination of all Forms of Racial Discrimination
- Protocol No. 7 to the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms.
- Case of *Abdolkhani and Karimian v. Turkey*-Application No30471/08-September.22.2009.
- Case of *Ankerl v. Switzerland*-Application No 17748/91-October.23.1996.
- Case of *Bulut v. Austria*-Application 17358/90 February.22.1996.
- Case of *Chopenko v. Ukraine*-Application No. 17735/06-June.15.2015.
- Case of *Chorniy v. Ukraine*-Application No. 35227/06-May.16.2013-Final, August.16.2013.
- Case of *Dbouba v. Turkey*-Application No. 15916/09-July.13.2010.
- Case of *Dombo Beher B v. The Netherlands*- Application No. 14448/88-October.27.1993.
- Case of *Fazli Aslaner v. Turkey*-Application No. 36073/04-March.04.2014-Final, July.7.2014.
- Case of *Foucher v. France*-Application No. 22209/93 March.18.1997.
- Case of *Grand Stevense and others v. Italy*-Application No. 18640/90-March.4.2014-Final, January.8.2014.
- Case of *Hoholm v. Slovakia*-Application No. 35632/13-January.13.2015.
- Case of *Khrykin v. Russia*-Application No. 33186/08-April.19.2011-Final, July.7. 2011.
- Case of *Kincses v. Hungary*-Application No. 66232/10-January.27.2015.
- Case of *Krylov v. Russia*-Application No. 36697/03-March.14.2013.
- Case of *Liepins v. Latvia* Application No. 31855/03-November.25.2014.
- Case of *Lobo Machado v. Portugal*-Application No. 15764/89 February.20.1996.
- Case of *Mocano and Others v. Romania*-Application Nos. 10865/09, 45886/07, 32431/08-September.14.2014.
- Case of *Mulsosmani v. Albania*-Application No. 29864/03-October.8.2013-Final, January.8.2014.
- Case of *Musaev v. Turkey*-Application No. 72754/11-October.21.2014-

-
- final, January.21.2015.
- Case of *Oleksandr v. Ukraine*-Application No. 21722/77-January.9.2013.
 - Case of *Peter Armstrong v. United Kingdom*-Application No. 65282/09-December.9.2014.
 - Case of *Poghosyan and Baghdasaryan v. Armenia*-Application No. 22999/06-June.12.2012-Final, September.12.2012.
 - Case of *Rummi v. Estonia*-Application No. 63362/09-January.15.2015.
 - Case of *Tehrani and Others v. Turkey*-Application Nos. 39940/08, 41626/08, 43616/08-April.13.2010.
 - Case of *Trancikova v. Slovakia*-Application No. 17127/12-January.3.2015.
 - Case of *Tsonyo Tsonev v. Bulgaria* (No. 3)-Application No. 21124/04-October 16.2012-Final, January.16.2013.
 - Case of *Wynen v. Belgium*- Application No. 32576/96-November.5.2002.